

تدوین اهداف توسعه گردشگری در چارچوب رویکرد تفکر ارزشی مورد: روستای فرح آباد در شهرستان ساری

مصطفی قدمی*؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران، ساری، ایران.
محمود شارع پور؛ استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ساری، ایران.
مریم نقوی؛ کارشناسی ارشد اکوتوریسم، دانشگاه مازندران، ساری، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۵

چکیده

در فرایند برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، مشارکت و تصمیم‌گیری جامعه محلی امری اجتناب‌ناپذیر است. این تصمیم‌گیری باید در جهت حفظ منافع اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی جوامع محلی صورت گیرد و ارزش‌ها و نگرش‌های آنان شناسایی و در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری گنجانده شود. هدف از این مطالعه، تعیین ارزش‌ها و اهداف جامعه میزبان در توسعه گردشگری حوزه مورد مطالعه با استفاده از رویکرد تفکر ارزشی بوده است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت داده‌ها در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این مطالعه از نظریه زمینه‌ای به منظور اجرای پژوهش کیفی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، ۱۵ نفر از افراد مطلع این حوزه در زمینه گردشگری هستند که با استفاده از تکنیک گلوله برفی انتخاب شده‌اند. همچنین از روش مصاحبه نیمه ساختارمند به عنوان تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش استفاده شد. طبق رویکرد تفکر ارزشی، ارزش‌ها و خواسته‌های جامعه میزبان در زمینه توسعه گردشگری، به دو نوع هدف بنیادی و مقطعی تقسیم شده است. اهداف مقطعی شامل مقوله‌های اشتغال و درآمدزایی، ارتقاء استانداردهای زندگی، حفظ منابع فرهنگ محلی، تقویت هویت محلی، ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست بوده و مقوله‌های تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، بهبود کیفیت زندگی، حفظ و ارتقاء منابع فرهنگ محلی و ارتقاء کیفیت محیط‌زیست به عنوان اهداف بنیادی پژوهش شناسایی شده است که از این اهداف می‌توان به عنوان پایه‌ای برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسعه گردشگری استفاده کرد.

واژگان کلیدی: توسعه گردشگری، جامعه میزبان، تفکر ارزشی، نظریه زمینه‌ای.

(۱) مقدمه

صنعت سفر و گردشگری، با موقعیت ممتاز در اقتصاد جهانی می‌بایست به‌عنوان یک رهبر جهانی در کمک به توسعه پایدار شناخته شود (Pigram & Wahab, 2005: 258). تا اواخر دهه ۱۹۷۰، گردشگری فعالیتی با پیامدهای مطلوب و منافع اقتصادی فراوان تعریف شده است (Choi, 2003: 77). از دهه ۱۹۸۰، پیامدهای محیط زیستی، اجتماعی و فرهنگی نامطلوب گردشگری مورد توجه قرار گرفت و در این میان پیامدها و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از گردشگری به چالش اساسی در این زمینه مبدل شد (Butler, 1980:5). در راستای الگوی توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰، رویکردهای سنتی توسعه گردشگری جای خود را به رویکرد توسعه پایدار گردشگری داد (Jurowski, Uysal & Williams, 1997: 3). در این رویکرد جدید نه تنها نیازهای بازار، بلکه نیازهای جامعه و محیط‌زیست طبیعی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد (Hawkes & Will, 1993:v). توسعه پایدار گردشگری، فرآیندی است که به بهبود کیفیت زندگی میزبانان، تأمین تقاضای بازدیدکنندگان و درعین حال حفاظت از منابع محیطی طبیعی و انسانی می‌انجامد (Butler, 1998: 25; Hall & Lew, 1998: 24; UNCED, 1992; Hunter & Green, 1995: 22; WTO, 1996).

علاوه بر این در ادبیات گردشگری پایدار همواره بر نقش کلیدی نگرش ساکنان محلی به‌عنوان مؤلفه اصلی گردشگری پایدار تأکید شده است (قدمی، علیقلی‌زاده فیروزجایی، ۱۳۹۱: ۸۵). به‌منظور دستیابی به اهداف این نوع گردشگری، مشارکت ساکنان محلی در فرایند تصمیم‌گیری یک ضرورت قلمداد می‌گردد (Gunn, 1994: 48; Hart, 1998; Murphy, 1983: 8; Pigram, 1990; Hall, 1994: 32; McIntosh et al, 1995: 87; Ritchie, 1993: 379; ۱۳۸۶، ۲۹). تصمیم‌گیری در این زمینه باید در جهت حفظ منافع اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی مردم منطقه صورت گیرد چرا که در غیر این صورت مردم گردشگران را به چشم سربار می‌نگرند که منابع آنان را مصرف می‌کنند و این تضاد را بین میزبان و میهمان به وجود می‌آورد. امروزه همه کشورهای پذیرفته‌اند که هر توسعه‌ای تنها با برنامه‌ریزی امکان‌پذیر (تقوایی و همکارانش، ۱۳۸۸: ۴۶) و هرگونه برنامه‌ریزی در این زمینه نیازمند شناسایی ارزش‌ها و گرایش‌ها است.

ارزش، واقعه یا چیزی است که برای ما مهم تلقی می‌گردد و همان اصول ارزیابی به شمار می‌آید که از آن برای ارزیابی پیامدهای بالفعل و بالقوه، اقدام و عدم اقدام، گزینه‌های پیشنهادی و تصمیم‌ها استفاده می‌کنیم. ارزش‌ها باید نقش هدایتگر اقدامات را ایفا کنند (Keeney, 1996:20). شناسایی ارزش‌ها و اهداف جامعه میزبان می‌تواند به بهبود فرایند تصمیم‌گیری در راستای توسعه پایدار گردشگری کمک کند. استان مازندران به دلیل برخورداری از موهبت‌های طبیعی، جاذبه‌های گردشگری متنوع از سرمایه اصلی، توسعه گردشگری پایدار برخوردار است و با توجه به این قابلیت‌های فراوان، نیازمند تفکر

سازمان یافته و دقیق در امر برنامه ریزی و تصمیم گیری است. در اکثر نقاط استان و به ویژه در نمونه مورد مطالعه (روستای فرح آباد)، تغییرات و تحولات مقصدهای گردشگری و هرگونه اقداماتی که در این راستا انجام می گیرد، عمدتاً در فاصله و بدون ارتباط با جامعه محلی تصمیم گیری و مدیریت می شود و شکلی از توسعه گردشگری که در این مناطق حاکم است که نگاه صرف بر منافع اقتصادی دارد. توسعه به صورت خودجوش، بدون برنامه ریزی و مدیریت گسترش یافته و حتی منافع حاصل از آن نیز تنها شامل سرمایه گذاران می گردد و نه جامعه محلی.

در حوزه برنامه ریزی و تصمیم گیری توسعه گردشگری منطقه توجه ای به جامعه میزبان در امر مشارکت و نظرخواهی در مورد مؤلفه های توسعه، صورت نمی گیرد و ارزش های جامعه میزبان در امر تصمیم گیری نادیده انگاشته می شود و با توجه به این روند، ما شاهد پیامدهای نامطلوب و منفی رشد گردشگری و الگوی ناپایدار در جامعه در زمان حال و آینده خواهیم بود. مسئولان امر معتقدند مردم بحث های فنی و پیچیده برنامه ریزی را درک نمی کنند؛ اما هنگام بحث در مورد ارزش های جامعه محلی، تنها خود مردم هستند که توانایی بیان و شناسایی ارزش های خود را دارند. قضاوت های ارزشی آنان آنچه را که در مسئله تصمیم مهم است مشخص می کند؛ بنابراین ضروری است جوامع میزبان در امر تصمیم گیری مشارکت کنند. همچنین در تحقیقات و پژوهش های انجام شده در حوزه برنامه ریزی گردشگری از ارزش ها و اهداف جامعه میزبان در امر تصمیم گیری استفاده نشده درحالی که مشارکت جوامع محلی از مشخصات توسعه پایدار گردشگری به حساب می آید و اگر این ارزش ها شناسایی نشود چگونه می توان انتظار داشت مشارکت به درستی اتفاق بیفتد. این تحقیق درصدد بوده تا ارزش های جامعه میزبان، اهداف بنیادی و مقطعی پژوهش را شناسایی کند.

۲) مبانی نظری

تصمیم گیری، نوعی بررسی است در زمینه مشخص کردن و انتخاب گزینه ها بر مبنای ارزش ها و ترجیحات فردی، مقام یا شخصی که تصمیم اتخاذ می کند. در الگوهای متعارف تصمیم گیری بر فعالیت هایی تأکید می شود که پس از مراحل شناسایی مسئله تصمیم، ابداع گزینه ها و مشخص سازی اهداف انجام می شود (تفکر گزینه ای)^۱؛ اما برای این پرسش اساسی که مسائل تصمیم، گزینه ها و اهداف چگونه به دست می آیند، پاسخ درخوری ارائه نمی شود (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۰). در این روش، هنگامی که فرد با مسئله تصمیم مواجه می شود قبل از هر اقدامی با تمرکز بر گزینه های موجود، بهترین گزینه را برای حل مسئله با تأکید بر اهدافی که برای سنجش گزینه ها مطرح هستند، شناسایی و انتخاب می کند. تمرکز بر گزینه ها، شیوه ای محدود برای تفکر درباره موقعیت های تصمیم است و برخورد آن با مسئله تصمیم،

^۱ Alternative - Focused Thinking

برخوردی منفعلانه و نه پیش‌دستانه است (کینی، ۱۹۹۶: ۸) اما هنگامی که با یک مشکل در دسرساز در زمینه تصمیم‌گیری، نهادی یا سازمانی مواجه می‌شویم تمرکز بر آنچه از دیدگاه‌های مختلف برای دستیابی مهم است و سپس ایجاد گزینه‌هایی که بهتر به این اهداف می‌رسند، به احتمال زیاد کمک بیشتری به تصمیم‌گیرندگان در انجام هر کاری می‌کند (McDaniel & Trousdale, 1999: 68).

تعیین ارزش (آنچه برای ما مهم است) مستلزم تفکر ژرف است. به گفته کینی^۱ (۱۹۹۶) بین تبیین ارزش‌ها و ابداع گزینه رابطه تعاملی وجود دارد اما اصل باید "اول بر ارزش‌ها و بعد گزینه‌ها" گذاشته شود. ارزش‌ها در واقع منعکس‌کننده ترجیحات پایه، باورها، نگرش‌ها و چارچوب‌های فکری افراد هستند و هنگام ارزیابی انتخاب‌ها و گزینه‌ها به صورت معیارها، اهداف و سنج‌ها نمود بارزی دارند (لشکر بلوکی، ۱۳۸۷: ۲). ارزش‌ها نه تنها راهنمایی برای ایجاد گزینه‌های مناسب هستند بلکه به شناسایی موقعیت‌های تصمیم‌گیری کمک می‌کنند (Cerreta & et al, 2010: 381). کینی، این نوع الگوی تصمیم‌گیری که در آن، ارزش‌ها اهمیت بنیادی دارند را تفکر ارزشی^۲ نامیده است. او در تفکر ارزشی بینشی در مورد نقش اساسی ارزش‌ها در همه جنبه‌های تصمیم‌گیری ارائه می‌کند و یک چارچوب برای ساختار فرایندهای تصمیم‌گیری با تمرکز بر ارزش‌های طرفین ذی‌نفع پیشنهاد می‌کند که مبنایی برای تعیین اطلاعات موردنیاز، ایجاد گزینه‌های جدید و ارزیابی گزینه‌ها است (McDaniel & Trousdale, 1999: 56).

از آنجایی که برای تصمیم‌گیرندگان، طبیعی است که در شرایط نیازمندی و محدودیت‌ها، در جهت پاسخگویی به مشکلات، فکر کنند تفکر ارزشی برای کمک، روش دقیق‌تر و نظام‌مندتری را در نظر گرفته و به آن یک سازمان منطقی از همه افکارشان ارائه می‌دهد (Morais & et al, 2013: 87). تفکر ارزشی یک پارادایم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است که هدف عمده آن افزایش خلاقیت و کمک به شناسایی فرصت‌های تصمیم به‌جای مسئله‌های تصمیم است. در واقع تفکر ارزشی خلاقیت هدایت‌شده برای تصمیم‌گیری و مبنای چنین خلاقیتی تبیین ارزش‌های مناسب در موقعیت تصمیم است (Keeney, 1996: 9). این تفکر را می‌توان به‌عنوان تصمیم‌گیری برای آنچه مهم تلقی می‌گردد و سپس چگونگی رسیدن به آن توصیف کرد (McDaniel & Trousdale, 1999: 59). گزینه‌ها و ارزش‌ها تعیین‌کننده چارچوب موقعیت تصمیم هستند. در تفکر ارزشی بر این نکته تأکید می‌شود که در هر موقعیت تصمیمی، ارزش‌ها اهمیت بنیادی دارند و گزینه‌ها تنها ابزاری برای تحقق ارزش‌ها هستند.

در پیاده‌سازی بخش کیفی تفکر ارزشی به تعریف مسئله و شناسایی اهداف بنیادی پرداخته می‌شود و برای انجام آن نیز باید شش گام متوالی زیر را برداشت:

² Keeney

² Value - focused thinking

۱. تعیین چارچوب و موقعیت تصمیم: کینی معتقد است چارچوب هر موقعیت تصمیم را گزینه‌ها و ارزش‌های آن تعیین می‌کند. زمینه تصمیم و اهداف بنیادی همراه با یکدیگر چارچوب موقعیت تصمیم را مشخص می‌کنند. زمینه تصمیم مجموعه‌ای از گزینه‌های مناسب در یک موقعیت تصمیم خاص است (Keeney, 1996: 49). ساده‌ترین روش برای شناخت زمینه‌ی تصمیم، تعیین چستی فعالیت اصلی موردنظر است. اهداف بنیادی نیز ارزش‌هایی را که در این زمینه تصمیم از اهمیت برخوردارند، شفاف می‌سازند.
۲. شناسایی مجموعه اهداف: ارزش‌ها مبنای تعلق خاطر را در هر موقعیت تصمیم به وجود می‌آورند. از آنجا که شناسایی اهداف، ارزش‌های دغدغه‌زا را در هر موقعیت تصمیم خاص شفاف می‌سازند، این فرایند بسیار حیاتی و خطیر به شمار می‌آید. اهداف هر موقعیت تصمیم را باید افرادی که در آن موقعیت منافع دارند و از شناخت کافی نیز برخوردارند، تعیین کنند. ابزارهای متعددی در شناسایی اهداف نقش دارند. مهم‌ترین ابزارها و شیوه‌های شناسایی اهداف یک موقعیت تصمیم خاص عبارت‌اند از: تهیه فهرست خواسته‌ها و دغدغه‌ها، کاربرد گزینه‌های موجود، برشمردن مسائل و نقاط ضعف، پیامدهای غیرقابل قبول و نامطلوب، نگاه به موقعیت تصمیم از چشم‌اندازهای مختلف (همان: ۸۲-۸۱).
۳. شناسایی اهداف بنیادین: هدف عبارت است از آنچه فرد می‌خواهد به آن دست یابد. در هر تصمیمی دو نوع هدف وجود دارد: هدف بنیادی^۱ و هدف مقطعی^۲. اهداف بنیادی، اهدافی هستند که بنابراین ارزشمند هستند و اهداف مقطعی و یا ابزاری، ارزشمندی‌شان وابسته به اهداف دیگر است و تنها به این دلیل مهم‌اند که ابزاری برای تحقق اهداف بنیادی هستند (همان: ۵۴).
۴. چک کردن ویژگی‌های مطلوب اهداف بنیادین: اهداف بنیادی باید حتی‌الامکان برای ابداع و ارزیابی گزینه‌ها، شناسایی فرصت‌های تصمیم و راهبری کل فرآیند تصمیم‌گیری سازگار باشند. برای اطمینان از مناسب بودن و سازگاری مجموعه اهداف بنیادی باید دارای این ویژگی‌ها باشند: اساسی بودن، کنترل‌پذیر بودن، کامل بودن، سنجش پذیر بودن، عملیاتی بودن، تجزیه‌پذیر بودن، غیر زائد بودن، موجز بودن و قابل فهم بودن (همان: ۱۱۵).
۵. مشخص‌سازی اهداف بنیادین: منظور از مشخص‌سازی تقسیم یک هدف به بخش‌های منطقی است و از این طریق می‌توان هدف گسترده‌تری را که هدف موجود بخشی از آن است را شناسایی کرد (همان: ۹۶).

¹ Fundamental objective

² Means objective

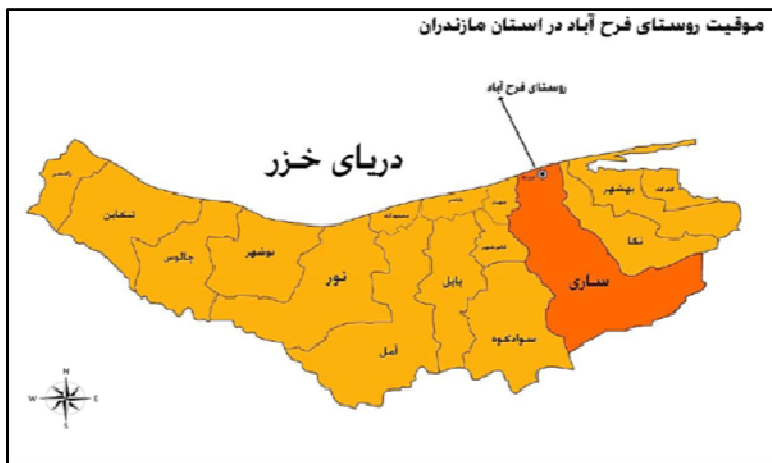
۶. تهیه سلسله مراتب اهداف بنیادی و شبکه اهداف مقطعی - نهائی: پس از جداسازی اهداف بنیادی از اهداف مقطعی، نوبت به ساختاردهی اهداف می‌رسد. ساختاردهی، کیفیت تفکر ارزشی را افزایش می‌دهد به صورتی که به شفافیت زمینه تصمیم و تعیین مجموعه‌ی اهداف بنیادی کمک می‌کند و به این ترتیب تمایز بین اهداف بنیادی و مقطعی روشن‌تر می‌شود (همان: ۹۷).
۷. سلسله مراتب اهداف بنیادی و شبکه اهداف مقطعی - نهایی، پیش‌شرط آغاز تفکر ارزشی و تلاش در جهت ابداع گزینه‌ها، شناسایی فرصت‌های تصمیم، ارزیابی گزینه‌ها و نهایتاً انتخاب یک گزینه است.

(۳) روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت داده‌ها در گروه تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. هدف از این پژوهش تعیین اهداف توسعه گردشگری مبتنی بر ارزش‌های جامعه میزبان با استفاده از تفکر ارزشی است. در این مطالعه از نظریه زمینه‌ای^۱ به‌عنوان یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، افراد مطلع این حوزه در زمینه توسعه گردشگری اعم از دهیار، اعضای شورای بخش و روستا، فعالین بخش تجاری، فرهنگی و علمی بوده است که با استفاده از تکنیک گلوله برفی انتخاب شده‌اند. همچنین از روش مصاحبه نیمه ساختارمند به‌عنوان تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش استفاده شد. این پژوهش درصدد آن است، شبکه ارزش‌های جامعه در راستای توسعه گردشگری فرح‌آباد ساری و اهداف بنیادی و مقطعی مؤثر در توسعه گردشگری این حوزه را تدوین نماید. همچنین لازم به ذکر است به دلیل کیفی بودن پژوهش و طولانی شدن بحث، روش‌ها و ابزارهای به کار گرفته‌شده در حین بررسی یافته‌ها برای جلوگیری از تکرار، تشریح خواهند شد.

فرح‌آباد از نظر تقسیمات سیاسی در دهستان رودپی شمالی بخش مرکزی شهرستان ساری در استان مازندران واقع شده است و فاصله آن تا مرکز استان ۲۵ کیلومتر است. این روستا از نظر اقلیمی در منطقه معتدل مرطوب واقع شده و از سمت شمال به اراضی ساحلی فرح‌آباد، از سمت جنوب به محور مواصلاتی ساری - فرح‌آباد، از شرق به رودخانه تجن و از سمت غرب به مزارع کشاورزی منتهی می‌گردد. جمعیت آن بر طبق آمار دهیاری در سال ۱۳۹۲، ۲۲۰۰ نفر است. در این حوزه با توجه به اقلیم مناسب، حاصلخیزی خاک و دشت‌های وسیع و وجود دریا و رودخانه، فعالیت‌های متنوعی از قبیل کشاورزی، صیادی و خدمات صورت می‌گیرد. همچنین با توجه به موقعیت جغرافیایی و جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی (از جمله مسجد شاه‌عباسی، پل هفت‌چشمه و کاخ جهان‌نما) دارای ظرفیت و پتانسیل‌های مناسب در جهت فعالیت‌های گردشگری است. در فصول بهار و تابستان، گردشگران بسیاری برای گذران اوقات فراغت و لذت بردن از اقلیم مناسب، دریا و ساحل این مقصد را انتخاب می‌کنند.

¹ Grounded theory



نقشه شماره (۱): موقعیت روستای فرح آباد از شهرستان ساری در استان مازندران

۴ یافته‌های تحقیق

بر اساس تفکر ارزشی کینی، خلاقیت هدایت شده برای تصمیم‌گیری است و مبنای چنین خلاقیتی تبیین ارزش‌های مناسب در موقعیت تصمیم است (۱۹۹۶: ۹). او بیان کیفی اهداف را روش مناسبی برای تبیین ارزش‌ها و قضاوت‌های ارزشی می‌داند و معتقد است اهداف هر موقعیت تصمیم را باید افرادی که در آن موقعیت منافع دارند و از شناخت کافی نیز برخوردارند، تعیین کنند؛ از این رو، چندین شیوه برای شناسایی اهداف معرفی می‌کند که در بخش مبانی نظری با عنوان "شناسایی مجموعه اهداف" ذکر شده است.

بر این اساس در پژوهش حاضر از جامعه محلی به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی توسعه نظرخواهی شد. چرا که این افراد از حوزه خود شناخت کافی دارند و این توسعه نیز برای آن‌ها منفعی به دنبال خواهد داشت. در ابتدا طبق چارچوب تفکر ارزشی می‌بایست نیازهای جامعه، خواسته‌ها و مقاصد بلندمدت آنها شناسایی شود و این یک گام مهم اساسی در شناخت اهداف است. بدین ترتیب در این پژوهش، در گام اول به‌منظور شناسایی اهداف، در طی مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد، دغدغه‌ها، خواسته‌ها و انتظاراتشان را از توسعه حوزه خود عنوان کنند. اثرات و پیامدهای مثبت و منفی توسعه گردشگری در حوزه مورد مطالعه را برشمردند. همچنین مسائل مهم فراروی خود را مشخص کنند. در این بخش به‌منظور تدوین شبکه اهداف، ابتدا درک جامعه میزبان از وضع موجود در نتیجه توسعه گردشگری در نظر گرفته شد و انتظارات و توقع آنان از توسعه گردشگری در آینده شناسایی گردید. این سؤالات نیز تا زمانی ادامه پیدا کرد که پژوهشگر در پاسخ به سؤالات به حد اشباع رسید و اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد.

به‌منظور تحلیل نظامند و تفسیر داده‌ها در این پژوهش از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. این نظریه روشی مدرن برای کشف مفاهیم بنیادی از دل داده‌های تحقیق کیفی است (ایمان، محمدیان،

۱۳۸۷). بدین ترتیب کار با پیاده کردن نوارهای صوتی مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل داده ادامه پیدا کرد. در این مرحله سه شکل از کدگذاری وجود دارد: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

کدگذاری باز: در این مرحله داده‌ها خط به خط تحلیل و از این طریق داده‌ها در قالب مفاهیم نشان داده شدند. کدگذاری در این مرحله به دو صورت، با استفاده از واژگان مصاحبه‌شوندگان و دیگری از طریق پژوهشگر بر مبنای مفاهیم موجود در داده‌ها انجام گرفت.

کدگذاری محوری: در این مرحله، مفاهیم استخراج شده با یکدیگر مقایسه و ارتباط هر یک از آن‌ها نیز مشخص شد. سپس مفاهیم مشابه در یک طبقه قرار گرفتند. بدین ترتیب طبقات گسترده و خرده طبقات آن ترسیم گردید. بر طبق رویکرد تفکر ارزشی، اهداف جامعه میزبان در این پژوهش که از طریق نظریه زمینه‌ای استخراج شده‌اند به دو نوع هدف تقسیم گردید: اهداف بنیادی که به خودی خود مهم هستند و اهداف مقطعی که اهمیت آن وابسته به اهداف دیگر است و به‌عنوان ابزاری در جهت تحقق اهداف بنیادی در نظر گرفته می‌شوند. اهداف مقطعی این پژوهش را مقوله‌های اشتغال و درآمدزایی، ارتقاء استانداردهای زندگی، حفظ منابع فرهنگ محلی، تقویت هویت محلی، ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست تشکیل می‌دهند و مقوله‌های تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، بهبود کیفیت زندگی، حفظ و ارتقاء منابع فرهنگ محلی و ارتقاء کیفیت محیط‌زیست به‌عنوان اهداف بنیادی پژوهش شناسایی شده‌اند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱): کدگذاری باز و محوری (طبقات گسترده و خرده طبقات (مفاهیم) استخراج شده از سوی جامعه محلی)

طبقات گسترده	خرده طبقات (مفاهیم)
اشتغال و درآمدزایی	افزایش فرصت‌های شغلی
	افزایش درآمد جامعه میزبان
	افزایش جذب سرمایه‌گذاران در حوزه
	افزایش عرضه کالا و محصولات محلی
	ارتقا جایگاه منطقه‌ای حوزه از ابعاد اقتصادی
ارتقا استانداردهای زندگی	افزایش سطح آگاهی و دانش ساکنان محلی
	توسعه زیرساخت‌های محلی
	افزایش امکانات و مراکز رفاهی و تفریحی
	گسترش امکانات بهداشتی و درمانی
حفظ منابع فرهنگ محلی	افزایش مراکز آموزشی
	شناساندن و حفظ فرهنگ و تاریخ حوزه
	بهبود تعامل بین جامعه میزبان و گردشگران
تقویت هویت محلی	بازسازی و احیای اماکن تاریخی حوزه
	افزایش شهرت و اعتبار حوزه
ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی	افزایش احساس غرور و افتخار جامعه میزبان
	توسعه ظرفیت‌های گردشگری ساحل
حفظ محیط‌زیست	ساماندهی ساخت‌وساز مسکونی و تجاری منطقه
	مدیریت زباله و مواد زائد
	ارتقا آگاهی زیست‌محیطی شهروندان و گردشگران
	حفظ چشم‌اندازهای طبیعی

در آخرین مرحله از کدگذاری‌ها، ارتباط بین مقوله‌ها و مفاهیم بیان و چگونگی تأثیر اهداف مقطعی بر تحقق اهداف بنیادی به صورت سیر داستانی توصیف شده است. در این قسمت، ابتدا هر یک از اهداف مقطعی به عنوان یک مقوله اصلی به همراه ریز اهداف مقطعی مرتبط به آن معرفی می‌شوند سپس دلیل و منطقی ارتباط آن با هر یک از اهداف بنیادی پژوهش شرح داده می‌شود. نکته قابل ذکر این است که به دلیل گسترده بودن توصیفات هر یک از ریز اهداف مرتبط با اهداف مقطعی، در این مقاله سعی شده موارد نسبتاً مهم انتخاب و تشریح گردد. ضمن این که مابقی موارد در شبکه ارزش اهداف بنیادی و مقطعی پژوهش (شکل شماره ۱) آمده است.

هدف مقطعی اول؛ اشتغال و درآمدزایی

تحلیل و بررسی دقیق اظهارات بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان این پژوهش حاکی از این بود که اشتغال و درآمدزایی به عنوان هدف مقطعی در توسعه گردشگری فرح‌آباد محسوب می‌شود. همچنین این هدف به دلیل تأثیراتی که بر اهداف بنیادی " تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی " و " بهبود کیفیت زندگی " دارد حائز اهمیت است.

گردشگری به علت ماهیت خدماتی و کاربر بودنش به میزان بالایی نیازمند نیروی انسانی است و با توجه به این که معضل بیکاری و اشتغال از چالش‌های پیش روی این حوزه قلمداد می‌گردد، می‌توان توسعه گردشگری را راهکاری برای پایان دادن به این مشکل در نظر گرفت. در حال حاضر فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی، صیادی به انضمام خدمات از عمده منابع درآمدی و اشتغال این حوزه محسوب می‌گردد. مشارکت‌کنندگان معتقدند فعالیت‌های اقتصادی سنتی، پاسخگوی سهم بالای نیروی انسانی آماده به کار در این مقصد نیست و می‌بایست از فعالیت‌های مکمل در جذب نیروی مازاد کار بهره برد. این افراد اذعان داشتند گردشگری به عنوان یکی از فعالیت‌های اقتصادی، امکان افزایش فرصت‌های شغلی نظیر شغل‌های خدماتی در اماکن اقامتی، پذیرایی و رفاهی، اشتغال در ساحل مانند قایق‌رانی، غریق نجات و غیره را به وجود می‌آورد و مشکلات اقتصادی منطقه را کاهش و در کنار سایر فعالیت‌های اقتصادی (فعالیت‌های کشاورزی و صیادی)، اقتصاد تلفیقی را در این حوزه ایجاد و افزایش درآمد را در خانوارها و ساکنان بومی ممکن می‌سازد. بنابراین می‌توان از اشتغال‌زایی به عنوان عاملی مهم در زمینه افزایش رشد و تقویت بنیان‌های اقتصادی نام برد. اکثر افراد مطلع حوزه، دلایل توسعه نیافتگی و کمبود شغل در فرح‌آباد را عدم مدیریت بر ساحل عنوان داشتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، دلیل این امر را این گونه توصیف می‌کند: "ساحل اختصاص به کسانی دیگر دارد و ما فقط نام آن را یدک می‌کشیم ولی به لحاظ سیاسی و مدیریتی هیچ اختیاری نداریم. فرح‌آباد با وجود نزدیکی به آب، هیچ وقت به آب و

ساحل نرسیده تا بتواند با مدیریت بر ساحل از منابع درآمدی آن استفاده کند و در کنار آن به رشد و توسعه دست یابد."

افزایش جذب سرمایه‌گذاران از مفاهیمی است که تأثیر بسزایی در زمینه اشتغال و درآمدزایی دارد. به اذعان مصاحبه‌شوندگان علی‌رغم این که فرح‌آباد از پتانسیل‌های بالا در حوزه گردشگری برخوردار است اما با چالش، ضعف در تأمین زیرساخت‌های گردشگری مواجه است که این امر با مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری مرتفع خواهد شد. به گفته این افراد نقش و اهمیت سرمایه‌گذاری در توسعه حوزه بر هیچ‌کس پوشیده نیست و ارتقای اقتصادی فرح‌آباد را در پی دارد. برخی از مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل عدم سرمایه‌گذاری در فرح‌آباد را در سالیان گذشته وجود پلاژهای دولتی بیان نمودند که فضای جذاب ساحل را در انحصار خود قرار داده و امکان استفاده برای عموم را نامیسر ساخته بود در نتیجه سرمایه‌گذاران، توجیه اقتصادی برای خود در این حوزه شاهد نبودند. تاکنون سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در فرح‌آباد نتوانسته خواسته‌های حوزه را به‌طور کامل تأمین کند و اغلب در قالب طرح‌های مختلف گردشگری شکست‌خورده است. مصاحبه‌شوندگان که به‌عنوان افراد مطلع حوزه شناخته می‌شوند معتقدند با وجود نیاز حوزه به جلب سرمایه‌گذاران بیشتر، متأسفانه به دلیل عدم توجه و حمایت مسئولین و مدیریت استانی، ناهماهنگی بین دستگاه‌های مختلف دولتی و فرایند طولانی بوروکراسی اداری، شرایط جذب سرمایه‌گذار در این حوزه مختل شده است. با این حال این افراد امیدوارند با توسعه گردشگری و حمایت‌های دولتی در توسعه زیربنایی و روبنایی حوزه، شمار سرمایه‌گذاران در فرح‌آباد افزایش پیدا کرده و توسعه همه‌جانبه را موجب گردد. باید گفت با ورود سرمایه‌گذار بیشتر به حوزه، امکانات زیربنایی و خدمات گردشگری از جمله مراکز اقامتی و واحدهای پذیرایی توسعه پیدا کرده و امکان افزایش منابع اشتغال و درآمدزایی در مقصد تقویت می‌شود. در نتیجه با توسعه گردشگری، فرح‌آباد به رشد اقتصادی بالاتری دست خواهد یافت و بنیان‌های اقتصادی آن نیز به‌منظور رسیدن به توسعه پایدار محلی تقویت می‌گردد. این هدف مقطعی علاوه بر تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی بستر لازم جهت بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان نیز فراهم می‌آورد.

هدف مقطعی دوم؛ ارتقاء استانداردهای زندگی

افزایش سطح آگاهی و دانش ساکنان محلی، بهبود توسعه زیرساخت‌های محلی، افزایش امکانات رفاهی و تفریحی و گسترش امکانات بهداشتی و درمانی، مفاهیمی هستند که طبق نظرات مصاحبه‌شوندگان موجب ارتقاء استانداردهای زندگی ساکنان محلی می‌گردد و رضایت‌مندی آنان را به همراه خواهد داشت. همچنین این هدف مقطعی علاوه بر تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی بستر لازم جهت بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان و حفظ و ارتقا منابع فرهنگ محلی را نیز فراهم می‌آورد.

زیرساخت‌های محلی به‌عنوان سرمایه عمومی روستا تلقی می‌گردند. راه، آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن و غیره از جمله این زیرساخت‌ها به شمار می‌آید و تأمین آنها بر عهده دولت است. فرح‌آباد به دلیل عدم تخصیص اعتبار دولتی کافی با مشکلات بسیاری در این زمینه مواجه است. به گفته دهیار، بودجه‌ای که برای فرح‌آباد به عنوان روستای هدف گردشگری در نظر گرفته شده هم‌سطح با معیار دیگر روستاهاست و در عین حال این انتظار نیز وجود دارد که امکانات و خدماتی مناسبی در اختیار گردشگران قرار داده شود در حالی که اعتبارات این حوزه، تقاضای به حق گردشگران مقصد را پاسخگو نیست و همچنین با این سطح از بودجه امکان تکمیل طرح هادی روستا تا سالیان سال وجود ندارد. کمبود آب آشامیدنی به‌ویژه در تابستان و مطلوب نبودن آن از نظر کیفی از چالش‌های دیگر پیش روی این حوزه است که تمامی مصاحبه‌شوندگان به آن اذعان داشتند. این مشکل با توجه به افزایش جمعیت در این مقصد (افزایش ساکنان غیربومی و گردشگران) نمود بیشتری پیدا کرده است. مصاحبه‌شوندگان معتقدند با رفع مشکلات توسعه زیرساخت‌ها توسط دولت و بخش خصوصی، این حوزه به مکانی مناسب جهت زندگی مطلوب جامعه میزبان و مقصد گردشگری ایده‌آل برای گردشگران مبدل خواهد شد.

همچنین انتظار می‌رود با توسعه گردشگری، سطح آگاهی ساکنان محلی نسبت به محیط خود و نیز اهمیت گردشگری ارتقاء یابد و امکان توسعه هر چه بیشتر حوزه را موجب گردد. مطمئناً افزایش دانش و آگاهی تنها در مدارس و دانشگاه‌ها صورت نمی‌پذیرد بلکه این محیط است که بستری را برای یادگیری فراهم می‌آورد گردشگری می‌تواند موجب افزایش میزان اطلاعات عمومی، دانش و آگاهی‌های اجتماعی ساکنان بومی گردد و این از طریق تعاملات فرهنگی، برخوردهای چهره به چهره و مشاهده رفتارها و اعمال پسندیده و حتی عملکردهای منفی اتفاق می‌افتد. اکثر مشارکت‌کنندگان معتقدند معمولاً ساحل-نشینان، افرادی هستند که به لحاظ فرهنگی نسبت به ساکنان روستاهای پیرامون خود چند گام پیشترند و این در کلام و گفتار آن‌ها مشهود است. دلیل این امر نیز تعامل و همزیستی با گردشگران و افراد غیربومی با فرهنگ‌های متنوع است و همین نیز زمینه‌ساز بهبود سطح استاندارد زندگی آنان خواهد بود. درنهایت با توجه به مفاهیم شناسایی شده توسط اظهارات مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت با توسعه گردشگری، کیفیت زندگی در فرح‌آباد بهبود و ساکنان به رفاه نسبی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی دست پیدا خواهند کرد.

هدف مقطعی سوم؛ حفظ منابع فرهنگ محلی

از دیگر اهداف مقطعی تعیین شده در این پژوهش حفظ منابع فرهنگ محلی است. این مقوله، با سه مفهوم "شناساندن و حفظ فرهنگ و تاریخ حوزه"، "بازسازی و احیای اماکن تاریخی حوزه" و "بهبود تعامل بین جامعه میزبان و گردشگران" معرفی شده است. حفظ منابع فرهنگ محلی به عنوان هدف

مقطعی علاوه بر این که ابزاری برای تحقق هدف بنیادی "حفظ و ارتقا منابع فرهنگ محلی" محسوب می‌شود، بنیان‌های اقتصاد محلی را تقویت می‌کند و بهبود کیفیت زندگی را نیز موجب می‌شود. هر جامعه‌ای دارای تاریخ و فرهنگ منحصر به خود است و این هویت فرهنگی آن جامعه را می‌سازد. فرح‌آباد از فرهنگ و تاریخ غنی برخوردار است و گردشگری آن در دوره صفوی و شاه عباس رونق پیدا کرده و از آن زمان نیز آثار تاریخی متعددی برجا مانده است. این آثار بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی ساکنان بومی آن و نشان‌دهنده فرهنگ گذشتگان این حوزه است. گردشگری، با شناساندن و حفاظت از این میراث در حفاظت از فرهنگ جامعه میزبان نقش مهمی ایفا می‌کند. به ادعان مصاحبه‌شوندگان حفظ منابع فرهنگ محلی این مقصد با توسعه گردشگری امکان‌پذیر است. این حوزه دارای آثار تاریخی از دوران صفویه (مسجد فرح‌آباد، کاخ جهان‌نما و پل هفت چشمه) و همچنین حمام کوره‌ای قاجاری است. اطلاع از تاریخچه فرهنگ و تاریخ مقصد و سعی در حفظ آن، موجب بقا و ترویج فرهنگ می‌شود. در عین حال سبب جذب گردشگران جهت بازدید و شناخت این آثار و جاذبه‌ها می‌گردد و آنان را ملزم به احترام به این فرهنگ و آداب و رسوم می‌کند. علی‌رغم وجود این نوع پتانسیل فرهنگی در مقصد، مصاحبه‌شوندگان معتقدند اکثریت گردشگران ورودی به حوزه علاقه‌مند به دریا و ساحل هستند و کمتر از این آثار بازدید می‌کنند. با وجود این که هیچ‌گونه ورودی گرفته نمی‌شود باز هم تعداد گردشگر بازدیدکننده از آن نسبت به دریا بسیار کمتر است. اکثر افراد مطلع مقصد دلیل این امر را نداشتن آشنایی و اطلاع کافی نسبت به میراث فرهنگی فرح‌آباد عنوان کرده‌اند. هیچ‌گونه تبلیغات و اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه شناساندن این میراث صورت نگرفته و حتی رسانه استانی نیز کمتر به آن پرداخته است و تنها گردشگرانی که علاقه‌مند به آثار و فرهنگ محلی هستند، از آن بازدید می‌کنند. حفظ منابع فرهنگ محلی ابزاری برای تحقق هدف بنیادی "تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی" است. شناساندن فرهنگ و تاریخ مقصد و احیای اماکن تاریخی حوزه، انگیزه لازم را برای گردشگران جهت بازدید و شناخت آن فراهم می‌کند. افزایش حضور گردشگر در مقصد نیز تقاضاهای بی‌شماری به همراه دارد. بدین ترتیب حضور گردشگر نیاز و تقاضا ایجاد کرده و تلاش در جهت خدمات‌دهی مناسب، بستر اشتغال و درآمدزایی را فراهم می‌کند. همچنین این هدف راهکاری برای حفظ و ارتقاء منابع فرهنگ محلی و بهبود کیفیت زندگی مقصد و ارتقاء زندگی شرافتمندانه جامعه میزبان نیز محسوب می‌شود.

هدف مقطعی چهارم؛ تقویت هویت محلی

تقویت هویت محلی از دیگر اهداف مقطعی شناسایی شده در میان اهداف مؤثر در توسعه گردشگری فرح‌آباد است. این مقوله دربردارنده دو مفهوم "افزایش شهرت و اعتبار حوزه" و "افزایش احساس غرور و افتخار جامعه میزبان" است و بر "حفظ و ارتقا فرهنگ محلی" به عنوان هدف بنیادی تأثیرگذار است.

هویت یک منطقه از طریق خصوصیات چگونگی تاریخ، فرهنگ، مذهب و غیره شکل می‌گیرد و بقا و پایداری این چنین ویژگی‌هایی، تقویت هویت آن منطقه را به همراه دارد. در تمامی گفتگوهای انجام شده افراد با افتخار از اقلیم و میراث فرهنگی خود یاد کرده و به داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود مباحثات و بدان می‌بالیدند. تمامی مصاحبه‌شوندگان معتقدند توسعه گردشگری در فرح‌آباد منجر به بهبود چهره حوزه و افزایش شهرت و اعتبار آن می‌گردد. برخی از این افراد همچنین باور داشتند توسعه گردشگری در این مقصد، ارزش و اعتباری ویژه‌ای به مرکز استان خواهد بخشید. به گفته ایشان شهرستان ساری، شناخت گردشگری خود را مدیون فرح‌آباد است و بدون وجود آن، اماکن و مقاصد درخوری برای استقبال و استقرار گردشگران ندارد. با وجود این امر باز هم حمایت استانی مناسب از این مقصد هدف گردشگری صورت نگرفته است. به‌زعم مصاحبه‌شوندگان توسعه گردشگری و توجه بیشتر به آن در این حوزه، موجبات افزایش احساس غرور و افتخار جامعه میزبان را به همراه خواهد داشت و دل‌بستگی آنان به زادگاه و محل زندگی‌شان مستحکم‌تر و برای آنها مهم و قابل احترام خواهد شد و در نتیجه از هیچ تلاشی برای توسعه و پایداری آن فروگذار نخواهند کرد. می‌توان گفت تقویت هویت محلی که با افزایش احساس غرور جامعه میزبان و شهرت حوزه محقق می‌گردد، زمینه‌ساز بستری برای حفظ فرهنگ و تاریخ منطقه و ارتقای هر چه بیشتر آن خواهد بود تا در راستای این ارتقای فرهنگی، این حوزه به توسعه‌ای پایدار رهنمون گردد.

هدف مقطعی پنجم؛ ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی

مقوله ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی از اهداف مقطعی مورد بحث در این پژوهش است که به مفاهیمی چون اختصاص توسعه ظرفیت‌های گردشگری ساحل و ساماندهی ساخت‌وساز مسکونی و تجاری حوزه، می‌پردازد. این هدف مقطعی ابزاری به‌منظور تحقق چهار اهداف بنیادی پژوهش (تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، ارتقاء کیفیت محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی، حفظ و ارتقا فرهنگ محلی) است.

دریا و نواحی ساحلی از جمله مناطق جذاب و محبوب گردشگری به شمار می‌آیند و سالانه میلیون‌ها گردشگر این نواحی را برای گذاران اوقات فراغت خود انتخاب می‌کنند. سواحل فرح‌آباد به عنوان یکی از مقاصد گردشگری استان مازندران با وضعیت نامناسبی مواجه و از آن بهره‌برداری درستی نشده است. یکی از دلایل این نابسامانی، عدم اجرای درست ماده ۶۳ برنامه چهارم توسعه مبنی بر آزادسازی حریم قانونی دریا و افزایش مسیر دسترسی به آن و همچنین طرح سالم‌سازی دریا است که به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان تنها ۵ کیلومتر از این سواحل در این حوزه آزاده شده و این سواحل نیز در همان سال‌های اولیه به منظور ساماندهی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت که به علت نداشتن توجیه

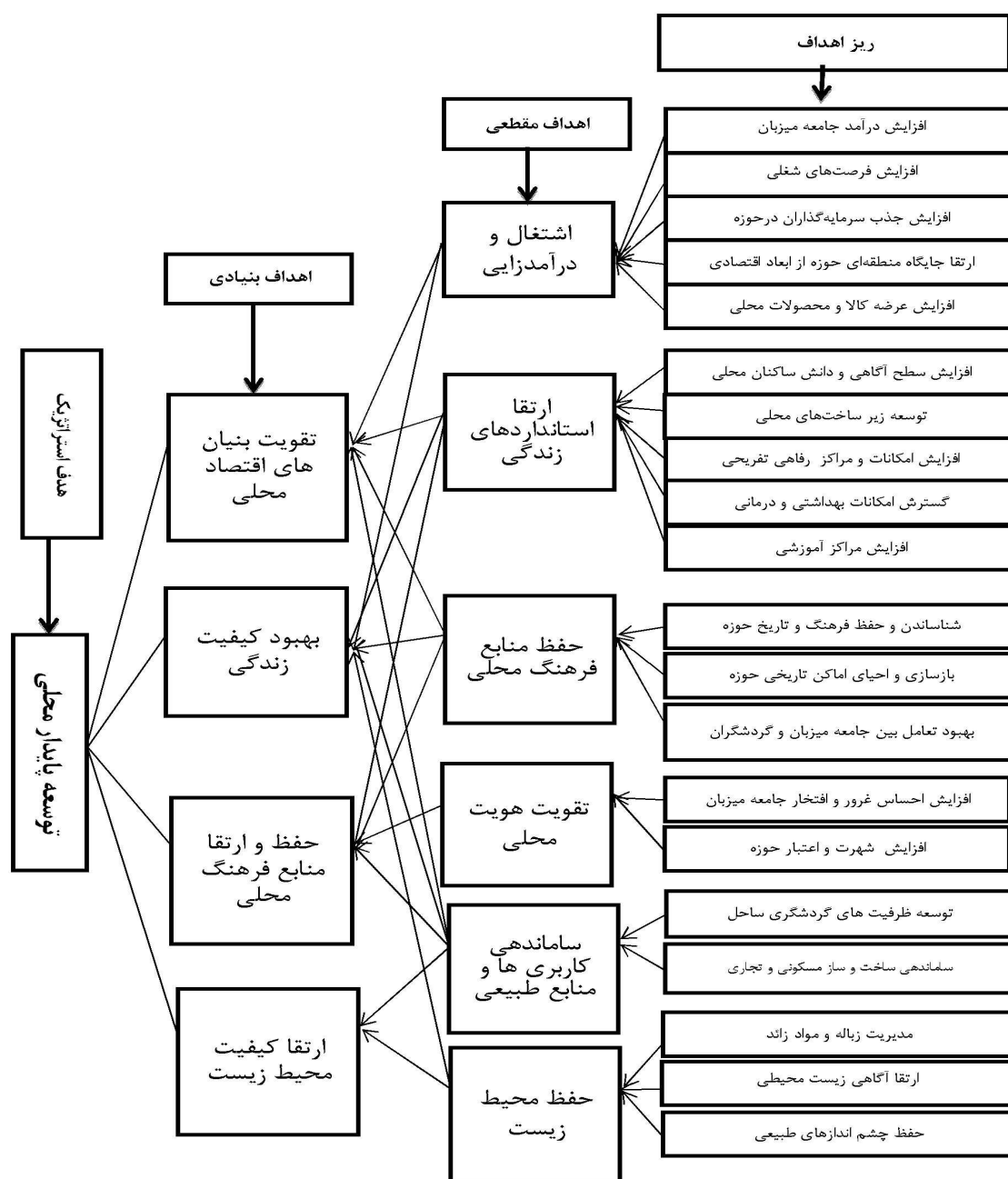
اقتصادی برای سرمایه‌گذاران رها شد بدون این که منفعت و سودی برای حوزه فراهم آورد. در حال حاضر بخشی از ساحل فرح‌آباد در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و فعالیت‌هایی نیز به منظور زیباسازی و سالم‌سازی قسمت تعیین شده صورت گرفته (خدمات و مبلمان شهری، نصب آلاچیق) و مابقی در دست اجراست. اکثر مصاحبه‌شوندگان معتقدند با آزادسازی سواحل در این حوزه می‌بایست زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز گردشگران نیز مهیا گردد و این امر مستلزم اختصاص عرصه ساحلی به این فعالیت‌هاست. به باور آنها، به دلیل وجود آب شور دریا در عمق سطحی خاک و نیز وجود اراضی ماسه‌ای نزدیک ساحل که چندان مناسب برای کشاورزی نیست بهتر است در مسئله تغییر کاربری اراضی فرح‌آباد در نزدیکی ساحل بازنگری انجام گردد و محدوده لب ساحل تا فاصله معین را به فعالیت‌های گردشگری نظیر ایجاد ساخت و سازهای گردشگری از جمله اماکن اقامتی، پذیرایی و رفاهی اختصاص یابد. ساماندهی عرصه ساحلی به منظور انجام فعالیت‌های مختص گردشگری و تأمین زیرساخت‌ها، تسهیلات و امکانات استاندارد و مطلوب آن، موجب افزایش تعداد گردشگران مقصد و بازگشت دوباره آنان و در نهایت ارتقاء شهرت و اعتبار حوزه می‌گردد. علاوه بر آن با ساماندهی ساخت و سازها در فرح‌آباد، به حریم منابع طبیعی و نیز معماری سنتی آن توجه و از ناهماهنگی سازه‌ها و ساخت آن در هر کجا و به هر شکل جلوگیری می‌گردد و در نتیجه منجر به حفظ و ارتقای فرهنگ محلی می‌شود. ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی در تحقق هدف بنیادی چون تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی ارتقاء کیفیت محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی نیز تأثیرگذار است.

هدف مقطعی ششم؛ حفظ محیط‌زیست

این هدف مقطعی مضامینی نظیر مدیریت زباله و مواد زائد، ارتقا آگاهی‌های زیست‌محیطی شهروندان و گردشگران و حفظ چشم اندازهای طبیعی را دربرمی‌گیرد و تحقق ارتقاء کیفیت محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی را به دنبال خواهد داشت.

رهاسازی و دفع زباله یکی از مشکلاتی است که مقاصد گردشگری با آن مواجه هستند. افزایش حجم ورود گردشگر نیز بر این مسئله تأثیرگذار است. بر طبق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، یکی از معضلات این مقصد، بحث زباله است. گردشگران زباله‌های خود را به راحتی در کنار ساحل رها و مناظر ناخوشایندی را در ساحل پدید می‌آورند که علاوه بر اثرات منفی زیست‌محیطی، مقصد را در جذب گردشگر با مشکل مواجه می‌سازد. اکثر افراد مطلع این حوزه معتقدند از دلایل رهاسازی زباله توسط گردشگران، یکی بحث فرهنگی و دیگری شکل نامناسب ساختمان‌های کنار ساحل و فرسودگی آنهاست که این ذهنیت را در گردشگران القا می‌کند که ساحل و محیط‌زیست حوزه برای جامعه میزبان اهمیت چندانی ندارد و می‌توانند زباله‌های خود را بدون هیچ دغدغه‌ای در کنار ساحل باقی بگذارند. علاوه بر ساحل بعضاً دیده

می‌شود گردشگران، زباله‌های خود را در حاشیه جاده می‌ریزند و در نتیجه محیط نامطلوب برای روستا ایجاد و هزینه‌های اضافی را بر آن تحمیل می‌کنند. به گفته دهیار، مدیریت روستا برای ارتقاء کیفیت محیط‌زیست روستا، رعایت بهداشت و جلوگیری از ریختن زباله در سطح روستا، سطل‌های مکانیزه را برای ریختن زباله و همچنین پلاکاردهای با موضوع پاکیزگی محیط، در طی مسیر قرار داده‌اند. بدین ترتیب اقدامات این چنینی در راستای حفظ محیط‌زیست تأثیر مثبتی بر ارتقاء کیفیت محیط‌زیست جامعه میزبان می‌گذارد و شرایط زندگی آنان و نسل آینده را بهبود می‌بخشد و نیز فضای درخوری را برای استراحت و تفریح گردشگران مهیا می‌سازد.



شکل شماره (۱): شبکه ارزشی اهداف بنیادی و مقطعی

۵) نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درک و استفاده از ارزش‌ها و خواسته‌های جامعه میزبان در خصوص توسعه گردشگری در فرح‌آباد، زمینه مناسبی برای تبیین درست اهداف به وجود آورد. در این پژوهش اهداف شناسایی شده به دو دسته اهداف (هدف بنیادی و مقطعی) تقسیم شدند. هر یک از اهداف مقطعی تبیین شده بر هر یک از اهداف بنیادی پژوهش تأثیر بسزایی داشته و ابزاری برای تحقق این اهداف در نظر گرفته شدند. هدف مقطعی "اشتغال و درآمدزایی" در تحقق مقوله‌های تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، بهبود کیفیت زندگی تأثیرگذار است. ارتقاء استاندارد زندگی نیز منجر به تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، حفظ و ارتقاء منابع فرهنگ محلی و بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان می‌شود. هدف مقطعی "حفظ منابع فرهنگ محلی" نیز تقویت بنیان‌های اقتصاد محلی، بهبود کیفیت زندگی، حفظ و ارتقاء منابع فرهنگ محلی را به دنبال خواهند داشت. از طرف دیگر تقویت هویت محلی به‌عنوان دیگر هدف مقطعی این پژوهش، ابزاری در جهت حفظ و ارتقای منابع فرهنگ محلی است. حفظ محیط‌زیست نیز کیفیت محیط‌زیست و کیفیت زندگی ارتقاء داده و در آخر هدف مقطعی "ساماندهی کاربری‌ها و منابع طبیعی"، در تحقق تمامی اهداف بنیادی این پژوهش تأثیرگذار است؛ و در نهایت تمامی این اهداف بنیادی بستری را در جهت توسعه پایدار محلی فراهم می‌آورند. باید توجه داشت خواسته‌هایی که در تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌گیرند همگی بر پایه اهداف بنیادی استوارند. بنابراین به کارگیری این اهداف در مسئله تصمیم، تصمیم‌گیرندگان را در ایجاد گزینه‌هایی که بهتر به این اهداف می‌رسند و شناسایی فرصت‌های تصمیم بالقوه و دستیابی به پیامدهای بهتر هدایت می‌کند. بدین ترتیب کاربرد ارزش‌ها و اهداف جامعه میزبان در امر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی گردشگری این حوزه، امکان بروز تصمیم‌گیری‌های ناهماهنگ و غیر منسجم که منجر به ایجاد الگوهای ناپایدار در توسعه گردشگری می‌شود را کاهش می‌دهد و به عنوان پایه‌ای برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسعه گردشگری، راه را برای رسیدن به پیامدی مطلوب چون توسعه پایدار محلی هموار می‌سازد.

۶) منابع

- احمدی، مصطفی، (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری: رویکردها و تکنیک‌ها. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۱، صص: ۲۹-۹.
- ایمان، محمدتقی، محمدیان، منیژه، (۱۳۸۷)، روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶، صص: ۵۴-۳۱.

- تقوایی، مسعود، احسانی، غلامحسین، صفرآبادی، اعظم، (۱۳۸۸)، نقش و جایگاه برنامه‌ریزی چند بعدی در توسعه توریسم و اکوتوریسم مطالعه موردی: منطقه خرو طبس، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره پیاپی ۳۵، شماره ۳، صص: ۶۲-۴۵.
- قدمی، مصطفی، (۱۳۸۶) مدل‌سازی توسعه شهری - گردشگری (نمونه: شهر کلاردشت)، رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی محمدتقی رهنمایی، دانشگاه تهران.
- قدمی، مصطفی، علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر، (۱۳۹۱)، ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در چارچوب پایداری نمونه مورد مطالعه (دهستان تمشکل / شهرستان تنکابن)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره ۱، صص: ۱۰۴-۷۹.
- کینی، رالف ال، (۱۹۹۶)، تفکر ارزشی راهی به سوی تصمیم‌گیری خلاق. انتشارات دانشگاه هاروارد. ترجمه: وحید وحیدی مطلق، ۱۳۸۱، ناشر: موسسه فرهنگی انتشارات کرانه ی علم. تهران.
- لشکر بلوکی، مجتبی، (۱۳۸۷)، مدل ارزشی در پروژه‌های سیاست پژوهی استراتژیک، ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.
- Butler, R. W. (1980), **The concept of tourist area cycle of evolution: Implications for management of resources.** Canadian Geographer. 24, pp. 5-12.
- Butler, R. W. (1998), **Sustainable tourism – looking backwards in order to progress?** In C.M. Hall & A. A. Lew (Eds), sustainable tourism: Geographical perspectives (PP. 25-34). New York: Addison Wesley Longman Ltd.
- Cerreta, Maria., Concilio, Grazia., & Monno, Valeria. (2010), **Thinking Through Complex Values, Making Strategies in Spatial Planning** (pp. 380-402). New York, Springer.
- Choi, S.H. (2003), **Measurement of Sustainable Development progress for Managing Community Tourism, Dissertation for PHD**) Texas A&M University.
- Gunn, C. A. (1994), **Tourism planning: Basics, concepts, cases**, 3rd ed. Washington DC :Taylor & Frances.
- Hall, C.M. (1994), **Tourism and politics: policy, Power and Place.** Chichester: Wiley.
- Hall, C.M., & Lew, A.A. (1998), **The geography of sustainable tourism development: introduction.** In C. M. Hall & A. A. Lew (Eds), sustainable tourism: geographical perspectives (pp. 1-24). New York: Addison Wesley Longman Ltd.
- Hart, M.(1998), **Indicators of sustainability.** <http://www.subjectmatters.com/indicators>, accessed, July 14, 2000.
- Hawkes, S., & Williams, P. (1993), **From principles to practice: A casebook of best environmental practice in tourism.** Burnaby, BC: Centre for Tourism policy Hunter, C., and H. Green. (1995), **Tourism and environment**, London: rout ledge.

- Jurowski, C., Uysal, M., & Williams, D. R. (1997), **A theoretical analysis of host community resident reactions to tourism**. Journal of tourism research. Vol. 36, No. 2, pp. 3-11.
- Lee, Tsung Hung. (2013), **Influence analysis of community resident support for sustainable tourism development**. Tourism Management. Vol.34, pp. 37- 46.
- McDaniel, Timothy., & Trousdale, William.(1999), **Value-Focused Thinking in a Difficult Context: Planning Tourism for Guimaras, Philippines**. Interfaces. Vol. 29, No. 4, pp. 58-70
- McIntosh, R. W., Goeldner, C. R., & Ritchie, J. R. B. (1995), **tourism principles , practices, and philosophies**, 7th ed. New York: John Willey & Sons.
- Morais, Danielle C. Alencar., Luciana H. Costa, Ana Paula C.S., & Keeney, Ralph L. (2013), **Using value - focused thinking in Brazil**. Pesquisa Operacional. . Vol. 33, No. 1, pp. 73-88
- Murphy, P. E. (1983), **Perceptions and Attitudes of Decision Making Groups in Tourism Centers** ,Journal of Travel Research,21(3)
- Pigram, J. J. (1990), **Sustainable tourism – policy considerations**. Tourism, studies. Vol.1, No. 2, pp. 2-9.
- Ritchie, J. R. B. (1993), **Crafting a destination vision: putting the concept of resident responsive tourism into practices**. Tourism Management. Vol.12, pp. 379-389.
- United Nations Conference on Environment & Development (UNCED). (1992), **RioDeclaration on Environment & Development**. Rio de Janeiro, Brazil: (UNCED).
- Wahab, Salah., & Pigram, John J. (2005), **Tourism, development and growth- the challenge of sustainability**. (Ed.), TOURISM AND SUSTAINABILITY Policy considerations (pp. 252-264) Taylor & Francis e-Library.
- WTO (The World Tourism Organization). (1996), **What tourism managers need to know: a practical guide to the development and use of indicators of sustainable tourism**. Madrid, Spain: the world tourism organization.